

منصفین



در محضر...

امام کاظم (ع):

مهرورزی و دوستی با مردم، نصف عقل است.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

بهنام خان‌محمدی

صفحه آرا:

بهنام خان‌محمدی

هیئت تحریریه:

مسعود براتی، مهدی مکفی، علی ناصری، ابوالفضل

خسروجردی، حسین ضیایی، جواد آذری و علی

دهستانی

خانم‌ها رضایی، سراج و بابا

همکاران این شماره:

علی ملا اسماعیلی، علی اسدی و خانم‌ها بوربوری

و سلطانی

با تشکر از

اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

edalatkhahi.ir

مطالب نشریه بازتاب آرای نویسندگان آن است

منتظر نظرات، انتقادات و پیشنهادات شما هستیم

رایانامه: mostazafinmagshahrood@gmail.com

شماره پیامک: ۰۹۱۰۴۸۷۱۳۸۷

نشریه مستضعفین آماده دریافت مطالب و موضوعات

پیشنهادی مخاطبان عزیز می‌باشد.

نشریه مستقل دانشجویی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... دانشگاه شاهرود / سال هفتم / شماره چهل‌م/ هفته سوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ / بها: ۲۰۰ تومان + لیخند و تفکر

سرهنگی، کماندار ادبیات انقلاب ایران

زیردستان سرهنگی را به عنوان یک نویسنده جبهه و مقاومت می‌شناسند که در بسیاری از آرا شبیه اوست.

با خودم فکر می‌کردم که چرا اسم دو هفته‌نامه‌اش را گذاشته‌اند کمان؟!

آرش کماندار کسی بود که بعد از یک جنگ طولانی بین ایران و توران انتخاب شد تا مرز ایران را تیری که از چله‌ی کمان او در می‌آید مشخص کند. او بر قله‌ی دماوند می‌رود، تیرش از صبح تا شامگاه در پرواز است و بر رود جیپهن فرود می‌آید. بعد از پرتاب تیر آرش می‌میرد ولی لقب کماندار ایران برای همیشه بر روی او می‌ماند.

مسلم‌ا بعد از انقلاب تعیین حد و مرز در هنر انقلاب و هنر مقاومت مسئله بسیار مهمی بوده است که تاکنون بر دوش اشخاصی چون مرتضی سرهنگی بوده است و مسلماً گزافه نیست اگر او را «کمان» دار ادبیات انقلاب بدانیم.

پ.ن.۱. آثار مرتضی سرهنگی

«اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» مقام اول انتخاب کتاب سال دفاع مقدس و کتاب «پا به پای باران» مقام اول گزارش. و دیگر آثار او «مثل ماه»، «اسم من چفیه است»، «اسم من پلاک است»، «اسم من خاکریز است»، «خرمشهر؛ کو جهان آرا»، «مرتضی آئینه زندگی‌ام بود»، «سفر برمдар مهتاب»، «باغ انگور، باغ سیب، باغ آئینه»، «خانه کوچک، زندگی بزرگ» و «حرف ما است»

پ.ن.۲. تقریظ رهبری بر کتاب «پا به پای باران»

این دو نوشته، گویا، پرسوز، دردمندانه و هنرمندانه است. دست این عزیزان درد نکند که درد دل غریبانه‌ی یک شهر، بلکه یک ملت را چنین پرمهر و دلسوز، روایت می‌کنند – تاریخ ما بعدها نه فقط خرمشهر و جوانها و پدر و مادرهای مقاوم آن راه، که این دلها و وجدانهای بیدار و حقبو و حقبو را نیز، ستایش خواهد کرد که نگذاشتند قصه‌ی جهادی به آن عظمت در لابلای پاوه گوئیها و هرزه درائیهای زمانه گم شود. درود بر بهبودی‌ها و سرهنگی‌ها...

۱۸اسفند ۱۳۷۰مصادف باسوم‌رمضان۱۴۱۲



« نکته مهم درباره سرهنگی این است که او در حقیقت یک متخصص بی‌مانند کشف معادن پرمحصول اما ناشناخته است. او به درستی در جاهایی که لازم است رگه‌هایی را پیدا می‌کند، با صبر و حوصله پیش می‌رود و وقتی به رگ اصلی دست پیدا کرد و کشف بزرگ را انجام داد، اصلاً شتاب زده نمی‌شود، سعی می‌کند بیشترین و بهترین محصول را از دل معدن ناشناخته‌اش بیرون بکشد و وقتی محصول به بار نشست به جای اینکه خود را در صف اول جا بزند و افتخارات را برای خود کنار بگذارد، اجازه می‌دهد آنهایی که در دل میدان بوده‌اند، جلو بایستند و مطرح شوند. او خود چند قدم عقب می‌ایستد و در انتظار کشف معدنی تازه می‌ماند »

« آنچه مرتضی سرهنگی را موفق به دریافت نشان هنر انقلاب کرده دلیل تأثیرگذاری او و ایجاد ادبیات دفاع مقدس و گونه‌ای از ادبیات بوده که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، کشور را از ورود ادبیات وارداتی بی نیاز کرده است. »

در این مواقع اگر یک شخصی باشد که یک تنه راه بیفتد، کارهای زمین مانده را خودش به عهده بگیرد و جلو ببرد و وقتی هم که به نتیجه نزدیک شد کار را بدهد دست یکی از زیر دستانش تا تمامش کند، آن حوزه به یک جای درست و حسابی می‌رسد. بعد از به نتیجه رسیدن چندین کار، چندین نیرو مثل خودش را ساخته است که حسن شهرت خودش را دارند، مثلا در اینجا و در حوزه ادبیات دیگران می‌افتاد. »

وقتی که فهرست کاندیداهای چهره‌ی فرهنگی هنر انقلاب را اعلام کردند اصلا فکرش را هم نمی‌کردم مرتضی سرهنگی جزو آن‌ها باشد، اصلا نمی‌شناختمش. گویا برای همکاری در تولید چهار رمان: پایي که جا ماند ، لشکر خوبان ، دختر شینا و زندان الرشید جایزه گرفته است.

رفتم سراغ رزومه اش، روزنامه‌نگار بوده، با روزنامه جمهوری اسلامی همکاری داشته و مدتی سردبیر روزنامه ایران هم بوده است.

از سال ۶۷ علاوه بر روزنامه نگاری در حوزه هنری، در دفتر ادبیات و هنر هم فعالیت می‌کرده است. کتاب‌هایی در زمینه دفاع مقدس نوشته و دو کتابش حائز رتبه در جشنواره‌ها شده‌اند. بر یکی از کتابها هم رهبری تقریظ زده‌اند. سردبیر دو هفته‌نامه کمان هم بوده است.

بعد از دیدن این رزومه با خودم گفتم خیلی‌ها مثل این بنده‌ی خدا هستند؛ یا قوم و خویش داورها است، یا حزب بازی بوده است. من که نرگس آبیار کارگردان شیار ۱۴۳ و دکتر فاضل نظری را بیشتر قبول داشتم.

تا اینکه به صحبت رهبری درباره سرهنگی رسیدم:

« اگر بنده شاعر بودم، یقیناً در مدح شماها، در مدح آقای سرهنگی، در مدح آقای بهبودی، در مدح آقای قدمی، در مدح همین خاطره‌سازان و خاطره‌انگیزان قصیده می‌ساختم؛ حقیقتاً جا دارد؛ چون کار بسیار بزرگ و بااهمیتی است...»

با خودم گفتم: نه مثل اینکه خبری هست...

روی کلمه خاطره ساز و خاطره انگیز زوم کردم، دیدم خبرگزاری‌های فارس و قدس آنلاین نوشته‌اند:

« تلاش‌هایی که او برای اعتلای هنر و بخصوص داستان انقلاب کرد، باعث شد فضا برای ورود داستان نویسان موفق مهیا شود. خیلی‌ها نمی‌دانند اگر امثال مرتضی سرهنگی و علیرضا کمری نبودند، حالا نه خبری از «دا» بود و نه جریان «من زنده ام» راه افتاده بود و نه «پایی که جا ماند» به چاپ های بی سابقه رسیده بود و نه خیلی چیزها، کارها و آثار دیگر اتفاق می‌افتاد. »

هدر رفت انرژی

تصویری که مشاهده می‌کنید حتماً برایتان آشناست. جایی که شاید بارها و بارها از کنارش عبور کرده باشید و یا به احتمال زیاد توققی نیز داشته‌اید. در هنگام شب به محوطه خلوت مقبره شهدای گمنام پردیس دانشگاه که نگاهی بیاندازی، مکانی را می‌بینی که با بیش از ۵۰ لامپ نوردهی می‌شود، جایی که شاید بیش از ۱۰۰ مترمربع مساحت نداشته باشد. مجموع توان این لامپ‌ها حدوداً ۳۰۰۰ وات است که اگر در هر ۲۴ ساعت، ۸ ساعت روشن باشند در طی یک ماه مصرف برق این مکان به بیش از ۷۰۰ کیلووات‌ساعت انرژی می‌رسد که معادل مصرف یک خانوار پرمصرف انرژی الکتریکی است (برای مثال مصرف ماهانه انرژی الکتریکی در خانه ما حدود ۲۵۰ کیلو وات ساعت است).

با چه استدلالی می‌شود این مسئله را توجیه کرد؟ اگر پاسخ این است که دلیلش زیبا سازی و به اصطلاح فضاسازی است باید به این سوال هم پاسخ داده شود که به چه قیمتی؟ آیا به قیمت اسراف؟ و اینکه آیا شهدا نیازمند به این تشریفات هستند؟ و یا اصلاً به آن رضایت دارند؟

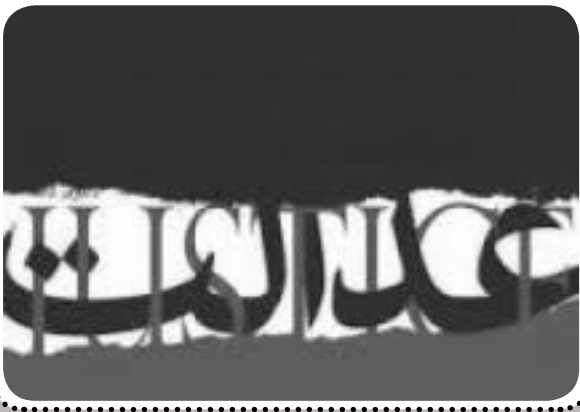
امیدوارم از این پس چراغ‌های اضافی مقبره خاموش شود و دیگر شاهد این‌گونه اسراف‌ها در این مکان نباشیم. در اینجا لازم می‌دانم که به مسئولین مسجد دانشگاه هم تذکری در زمینه‌ی نور افکن‌های پرمصرف و تشریفاتی– تزئیناتی مسجد دانشگاه بدهم که تنها کاربردشان تاباندن نور بر روی گنبد و مناره‌های مسجد است و در صورت بی توجهی، در شماره‌های بعد به محاسبات مربوط به مصارفشان خواهیم پرداخت.



حضرت امیر(ع) در پاسخ فردی که از ایشان در مورد برتری عدل و جود سوال کرد، می‌فرمایند: «عدل بهتر است از جود به دلیل اینکه عدل، هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و هر حقی را به ذی‌حق واقعی خود می‌رساند اما جود و بخشش، امور را و جریان‌ها را از محل خودشان و مدار خودشان خارج می‌کند.» در جای دیگر حضرت می‌فرمایند: «عدالت سائس و اداره کننده عموم است، چیزی است که پایه و مبنای زندگی عمومی و اساس مقررات است»

پاسخ به این سوال هم در همان صحبت حضرت امیر(ع) داده شده است. رعایت عدالت هم به معنای این است که هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد، هر کاری، هر برنامه‌ریزی، هر عملی و هر هزینه‌ای باید به جا و متناسب با هدف از پیش تعریف شده و با توجه به معیار عدالت انجام شود. چرا که عدالت معیار حق و باطل است یعنی اگر عملی مخالف عدالت باشد، باطل است.

یک بحث مهم و اساسی که در اینجا مطرح می‌شود، رعایت عدالت در مصرف بودجه‌های فرهنگی و مهمتر از آن مصرف بیت‌المال است (باز هم مقام معظم رهبری در این زمینه توصیه‌های فراوانی دارند.) مسئولین دانشگاه هم باید به این نکته توجه کنند که در مصرف بودجه دانشگاه حالا چه فرهنگی، چه پژوهشی و سایر موارد از چهارچوب عدالت خارج نشوند. متأسفانه در داخل دانشگاه مواردی را مشاهده می‌کنیم که از چهارچوب عدالت خارج شده و بعضی برای توجیه آن دلایلی خارج از معیار را ارائه می‌دهند. در این شماره به چند مورد از این خروج ها اشاره کرده‌ایم و اگر نیاز باشد به امید خداوند در شماره‌های بعدی باز هم به موارد دیگر اشاره خواهیم کرد چرا که نشریه مستضعفین یکی از رسالت‌های مهم خودش را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند.



دانشگاه و حاشیه...

آخر کلاس : بهشت پنهان
نماینده‌ی کلاس : افی
دانشگاه ما : تبعیدی‌ها
اخراج از دانشگاه : می‌خواهم زنده بمانم
دفتر اساتید : خانه ارواح
نمره ده : شانس زندگی
سالن ورزشی : جزیره‌ی آدم خورها
سال آخر : سال‌های بی‌قراری
ساختمان دانشگاه : آسمان خراش جهنمی اخراجی‌ها
راهی برای متقلبان : جیب برها به بهشت نمی‌روند
آتن دانشگاه : جاسوس سه جانبه
اعتراض برای نمره : شلیک نهایی
کلاس ورزش : المپیک در بازداشتگاه
مسئول حراست: پلیس آهنی
دیدن استاد از دور : سایه عقاب‌ها
نگاه استاد : بگذار زندگی کنم
بیرون دانشگاه : سرزمین آرزوها

وحدت‌نامه

یمن تنه‌امی‌ماند

YEMEN WILL NEVER BE ALONE



تحریم فروش نفت خام ایران (کاهش صادرات و کاهش خریداران نفت خام ایران)

در بخش فروش نفت سه تحریم مهم وجود دارد. یکی تحریم مربوط به کاهش خرید نفت توسط خریداران، دیگری تحریم‌های مرتبط با حمل و نقل نفت و در نهایت تحریم‌های مرتبط به دسترسی به پول نفت.

کاهش خرید نفت توسط خریداران

بر اساس «قانون اختیارات دفاع ملی» آمریکا برای سال مالی ۲۰۱۲ (NDAA) و دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ رئیس جمهور آمریکا، کشورهای وارد کننده نفت ایران باید در بازه‌های زمانی ۶ ماه یکبار، میزان قابل توجهی از واردات نفت خود را به صورت مستمر کاهش دهند. این قانون از بهمن ماه ۱۳۹۰ اجرایی شد و وزارت خزانه‌داری آمریکا در گزارش‌های شش ماهه با بررسی میزان واردات نفت ایران توسط کشورهای هدف، میزان کاهش آنها را بررسی کرده و در صورت رعایت قانون فوق اجازه ادامه واردات در شش ماه بعد را به آن کشور می‌داد. این قانون علاوه بر کاهش مستمر عرضه نفت ایران که در نهایت به سمت صفر سوق داده می‌شد، سبب کانالیزه شدن فروش نفت ایران و افزایش توانایی کنترل بر آن را به آمریکا می‌داد. در توافق ژنو شرط کاهش ۲۰ درصدی در شش ماه، تعلیق شد و میزان فروش نفت ایران در سطح حدود یک میلیون ماند.

در قانون فوق دولت آمریکا نهادهای مالی خارجی و حتی بانک‌های مرکزی کشورهای دیگر را تهدید می‌کند که در صورت فعالیت در نقل و انتقال پول‌های نفتی ایران، آنها

قلم آخر...

جلسه استماع کنگره در ژوئن ۲۰۱۳ توضیح می‌دهد که هدف از اعمال قانون NDAA ایزوله کردن بانک مرکزی ایران از نظام بانکی جهانی و همچنین کاهش درآمدهای نفتی ایران است که بانک مرکزی اولین نهادی است که این درآمدها را دریافت می‌کند.

تحریم خرید نفت از سوی اتحادیه اروپا در تابستان ۱۳۹۱ رخ داد. روند به این صورت بود که در بهمن ۱۳۹۰ اتحادیه اروپا تصویب کرد، ظرف شش ماه بعد از تصویب قانون خرید نفت خام ایران را قطع کند. اتحادیه اروپا دلیل اصلی این کار را **فعالیت‌های هسته‌ای ایران و قطعنامه‌های شورای امنیت** بیان کرد. این دلایل در بیانیه رسمی توسط شورای اتحادیه اروپا منتشر شد. پس می‌توان گفت که تحریم خرید نفت ایران توسط اتحادیه اروپا مرتبط با موضوع هسته‌ای است.

هرچند این سئوال ایجاد می‌شود که اگر تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا در بحث خرید نفت ایران باقی بماند آیا برداشتن تحریم‌های اتحادیه اروپا نتیجه‌ای خواهد داشت؟ چرا که کشورهای عضو اتحادیه اروپا مخاطب تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا نیز هستند.

در آن زمان اتحادیه اروپا نزدیک به ۸۰۰ هزار بشکه نفت از ایران خریداری می‌کرد. همانطور که پیش بینی می‌شد این اتحادیه در تیرماه ۱۳۹۱ تحریم خود را اجرایی کرد. هرچند در داخل کشور برخی از تصمیم‌گیران بر اثر تردیدهای ایجاد شده از اتخاذ تصمیم قاطع در مقابل اتحادیه اروپا طفره رفتند.

مطالب و اسناد کامل در :

http://masoudbarati.blog.ir

http://ayaronline.ir

معاونت پرکار اما کم‌مایه!

معاونت فرهنگی دانشگاه در روز سه شنبه ۹۴/۲/۸، آقای علی اکبر رائفی پور را جهت ارائه بحثی موسوم به جاهلیت مدرن، به دانشگاه دعوت کرد. شخصا در این مجلس حاضر شدم و شاهد بودم که دانشجویان بسیاری در جلسه شرکت کردند، به طوری که در کمتر از ۲۰ دقیقه بعد از وقت مقرر، جمعیت جلوی درهای خروجی ایستاده بودند! اشاره می‌کنم که قبل از شروع سخنرانی میهمان، گروه موسیقی سنتی به مناسبت میلاد حضرت امیر^(ع) چند دقیقه‌ای تمام، قطعه‌ای اجرا کردند و سپس سخنرانی شروع شد. جلسه بسیار شلوغ بود و حال و هوای این جلسه مرا به یاد جلسات پر حرارت جشن‌های گوناگون انداخت که البته حضور میهمان خاص این اقتضائات را دارد. مایلم این جلسه را دستمایه‌ای قرار داده و جمع بندی مختصری از روند حرکت معاونت مذکور در سال گذشته داشته باشم.

اولا آنچه ما در سال گذشته مشاهده کردیم، معاونتی فعال در حوزه برگزاری برنامه‌های فرهنگی بود که دامنه‌ی فعالیت‌ها از پخش چند فیلم و ویژه برنامه‌ی جشن‌ها گرفته تا دعوت از اساتید و برگزاری مراسمات گوناگون گسترده بود. این به **معنای سطح کمیت مناسب در برگزاری برنامه‌های تحت این معاونت است** و لذا از این منظر تلاش خوبی صورت گرفته است و در خور تشکر.

ثانیا کیفیت برگزاری برنامه‌ها چیزی است که باید حتما مدنظر قرار داده شود. به نظر می‌رسد که معاونت مذکور علاقه شدیدی به حضور گسترده دانشجویان – در برنامه های برگزار شده و به خصوص برنامه های تالاری – دارد و از این منظر به برنامه‌هایی که **خوشایند دانشجویان** است علاقه بیشتری نشان می‌دهد

و از طرفی شاهد هستیم که این **علاقه، جهت و موضوعات برنامه‌های معاونت فرهنگی را تحت تاثیر قرار داده** به طوری که برنامه‌های ایشان بیشتر به سمت تامین بُعد هیجانی و حسی دانشجویان گرایش دارد و آن چنان که باید و شاید به مسائل مهمی که دانشجویان محتاج فهم آن‌هاست نمی‌پردازد. مثلا برنامه آقای رائفی پور یک نمونه است که شرحش گذشت. نمونه دیگر، برنامه‌های روز دانشجویست که آنچه به یاد دارم برگزاری کلاس‌های هنری برای خانم‌ها و راه اندازی سامانه بازی فوتبال PES برای آقایان بود. یا به عنوان مثال‌های دیگر انواع جشن‌هایی که ترتیب می‌دهد و مواردی که با مراجعه به امورفرهنگی می‌توانید لیست آن‌ها را دریافت کنید.

اکنون اگر انسان را دارای دو بعد عقلانی(rational) و احساسی و هیجانی (irrational) بدانیم، **معاونت ما به بُعد احساسی و هیجانی نه تنها علاقه دارد، بلکه به آن دامن می‌زند!** یعنی کمک می‌کند که دانشجوی هر چه بیشتر هیجانی – و نه خردمحورانه – رشد کند. اکنون سوال مهم از معاونت فرهنگی این است که آیا در قبال بعد عقلانی به اندازه بعد هیجانی مسئول نیست؟ واضح است که پس از اتمام دوران دانشجویی، راه گشای زندگی شخص **خرد** اوست که شرح دادم چگونه مورد غفلت قرار گرفته است. به هر حال این غفلت، **خطری است دامنگیر تمام دستگاه‌های فرهنگی دانشگاه که البته اینجا سر و کار ما با معاونت فرهنگی است.**

و اما راه برون رفت از این اوضاع نیز خیلی غریب نیست.کافیست است مسئولین فرهنگی از کسوت «مسئول» و «رئیس» و «دکتر» بیرون بیایند و به دانشجویان نزدیکتر شوند. با دانشجویان از نزدیک صحبت کنند، جلسات گردهم آیی واقعی و موثر – نه صرفا تبلیغاتی – با دانشجویان داشته باشند و مواردی دیگر که مجال تذکر نیست **مسئولین – در اینجا مشخصا معاونت فرهنگی – باید یک بازنگری جدی در حوزه مسئولیت و همچنین روش انجام وظایف خود انجام دهند** و مطمئن باشند که خدای تعالی کمکشان خواهد کرد.

سرویس‌های دانشجویی از درون

